

جورج بوش

از فلسطینی ها میخواید
به شارون تسلیم شوند!

صفحه ۳

نام ماموران عالیرتبه

ساواما در دانمارک

و اسناد و اطلاعات

آنها باید فوراً افشا شود

صفحه ۴

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465

Fax: 0044-870-135-1338

markazi@ukonline.co.uk

رادیو انترناسیونال

۳۱ متر - ۹۹۴۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707

مردم آزادیخواه!
به یاری مردم
زلزله زده بشتابید



در اولین ساعات روز شنبه ۱ تیر ۱۳۸۱ زلزله‌ای به قدرت ۶/۳ ریشتر مناطقی از استان قزوین و همدان را به لرزه درآورد و صدها نفر کشته، ۱۵۰۰ نفر زخمی و دهها هزار نفر بیخانمان شده‌اند. بسیاری هنوز از زیر آوارها نجات داده نشده‌اند. در استان قزوین تنها بیش از ۵۰ روستا کاملاً با خاک یکسان شده است. حزب کمونیست کارگری ایران با مجروحین و خانواده‌های قربانیان این زلزله عمیقاً ابراز همدردی میکند. حزب کمونیست کارگری ایران جمهوری اسلامی را مقصر و مسئول مرگ این مردم ستمدیده میداند. زلزله یک فاجعه طبیعی است، اما مشابه همین زلزله استان قزوین در قلب لندن یا نیویورک با تراکم جمعیت صد برابر بیشتر حتی یک صدم این زلزله هم تلفات جانی بیبار نمی‌آورد. واقعیت این است که امکانات تکنولوژیک و علمی

بشر آنچنان گسترش یافته که قادر به شناخت خطوط زلزله و مهار و کنترل خسارات و تلفات ناشی از زلزله و سایر بلایای طبیعی از پیش است. اما در جامعه‌ای که جان انسان بی ارزش است، در جامعه‌ای که حکومتش خود بیش از صد هزار نفر را بخاطر ابراز عقیده و بیان اعدام و نابود کرده است و چندصد هزار نفر را نیز در جنگی تماماً ارتجاعی قربانی کرده است، در شرایطی که روزانه هزاران نفر بخاطر امراض قابل پیشگیری جان میدهند و فقر طول عمر اکثریت جامعه را مرتباً کوتاه و کوتاهتر میکند، در شرایطی که بسیاری از محله‌های کار مرتباً از کارگران قربانی میگردد، و در شرایطی که بودجه خدمات رفاهی و درمانی و عمرانی قابل مقایسه با بودجه نیروهای سرکوب و تسلیحات و قابل مقایسه با مبالغ کلان دزدی و سوء استفاده مقامات و آقا زاده ها و گله آخوند و مفتخور نیست، در چنین شرایطی

مقصر این فاجعه نه طبیعت بلکه نظام حاکم بر جامعه است. جمهوری اسلامی مانع اصلی تغییر این نظام گندیده و مانع هر بهبودی در زندگی مردم است. تا این نظام سر پا است سهم اکثریت مردم محرومیت و قربانی دادن است. بدلیل تاخیر دولت در ارسال مواد غذایی و وسائل مورد نیاز، مردم روستاهای زلزله زده در استان قزوین به بی توجهی حکومت اسلامی اعتراض کردند و ماشین عبدالواحد لاری وزیر کشور را، که برای بازدید به منطقه رفته بود، سنگبازان کردند، و انزجار و نفرت عمیق خود را از حکومت اسلامی و مقامات ریز و درشت آن به نمایش گذاشتند. برخلاف بی توجهی مسئولین دولت، مردم روستاهای اطراف با هرچه در توان داشتند به یاری مردم آسیب دیده شتافتند. حزب کمونیست کارگری همه مردم آزادیخواه را فرامیخواند به هر شکل که میتوانند به یاری مردم زلزله زده استان قزوین بشتابند.

پیام ۱۸ تیر سرنگونی جمهوری اسلامی است!

صفحه ۳

"همایش ملی کار" رژیم در تقابل
با جنبش اعتراضی کارگری

حکومت اسلامی و تجاوز
قانونی به کودکان



شلا دانشفر

اخیراً مقامات حکومت تجمعی را به نام "همایش ملی کار" برگزار کردند. این تجمع تحت عنوان "سه جانبه گری و حل مشکلات از طریق گفتمان" با شرکت نمایندگان کارفرمایان، نمایندگان دولت و دست اندرکاران شوراهای اسلامی کار بعنوان نماینده کارگران برگزار شد.

صفحه ۲



اسد گلجینی

مجمع تشخیص مصلحت نظام پس از رد لایحه مجلس درباره بالا بردن سن ازدواج لایحه دیگری را به تصویب رساند که بر اساس آن "عقد دختران قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از ۱۵ سال تمام منوط به اذن ولی به شرط

صفحه ۲

حکومت بازجوها - یادداشتهایی بر وقایع هفته

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

حکومت اسلامی و تجاوز قانونی به کودکان

رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح است. تصویب این لایحه بار دیگر قوانین اسلامی را در برابر نفرت عمیق مردم قرار داد. این قانون رسماً اعلام میکند که در اسلام تجاوز به کودکان قانونی است.

اسلام دین تجاوز به حقوق انسان بویژه زنان و کودکان است. دین و اسلام با انسان و عدالت و انساندوستی آزادیخواهی و عدالت و انسانیت و ناسازگار است. اسلام و قوانین آن ضد بشر و ضد کودک و ضد زن است و انسان را تحقیر میکند. مصوبه اخیر مجمع تشخیص مصلحت نظام فقط گوشه ای از توحش رژیم جمهوری اسلامی و قوانین آنرا علیه کودکان به نمایش میگذارد.

قانون تجاوز به کودک البته به سنت محمد برمیگردد، و رژیم اسلامی در ادامه این سنت و طی ۲۴ سال حاکمیت ننگینش ابعاد بی سابقه ای از لگدمال کردن حقوق زنان و کودکان و تجاوز به آنها را بروز داده است. کودکان فراری، کودکان و دختران سرگردان و دستفروش در خیابانها، کودکان و دخترانی که روزانه مورد تجاوز و سو استفاده قرار میگیرند، کودکانی که بجای بودن در کلاس درس بدنیا پیدا کردن لقمه نانی ناچار از دست زدن به هر کاری میشوند، و هزاران دختر بی پناه و سرگردان که مورد سواستفاده و تجاوز قرار میگیرند و در دام باند های مافیایی اسیر شده و زندگی شان تباہ میشود، همه از "برکات" حاکمیت وحوش اسلامی است که البته تنها گوشه ای از کارنامه رژیم اسلامی در رابطه با کودکان است. طرح اخیر مجمع تشخیص مصلحت طرح نیازهای عده ای پدوفیلی است که تلاش میکنند با تکیه بر زور و به فقر و تنگدستی کشاندن مردم آنرا به جامعه و بویژه به کودکان دختر تحمیل کنند.

دفاع از حقوق کودکان برای داشتن زندگی آرام و مرفه و بدون دست درازی مذهب و سنت های ارتجاعی امری فوری و حیاتی است که انسانها برای تحقق آن باید بسیج شوند و تلاش کنند تا موقعیت بی حقوق کودکان را تغییر دهند. حقوق بدون چون و چرای کودکان در برخورداری از تامین زندگی مرفه و مدرن، آموزش رایگان و بدون دخالت مذهب در آموزش و پرورش، ارائه خدمات رایگان پزشکی و آموزشی، مستقل از وضعیت خانوادگی کودکان و با نظارت جامعه برای تامین و حفظ این استانداردها، از نیازهای یک جامعه سالم و اخلاقی و ایمن برای کودکان است. اما مردم در برابر تصویب قوانین ارتجاعی و کثیف اسلامی، هر چه بیشتر بر نفی مذهب و قوانین مذهبی و نفی حاکمیت اوباش اسلامی در ایران مصمم تر میشوند. دست مذهب و حکومت مذهبی باید از زندگی مردم کوتاه شود و کودکان را باید در مقابل میکروب مذهب حفظ کرد. کودک نمیتواند از خود دفاع کند و جامعه باید تضمین کند که مذهب امکان دست درازی به حقوق کودکان را نداشته باشد. باید هر گونه قوانین و سنتهای مذهبی که محیط زندگی کودکان را ناامن میکند، ممنوع شوند، و در رده جرائم جنایی اعلام شوند.

جمهوری اسلامی برای ادامه حیات راه دیگری غیر از پناه بردن به ارتجاعی ترین قوانین علیه مردم نمیشناسد. سنگسار و اعدام و زندان و ترور نمیتواند از جمهوری اسلامی جدا شود، اینها همزادند. تلاش دوم خردادها برای اصلاح رژیم اسلامی در همه ابعاد مفتضحانه شکست خورد و نتوانستند کالایشان را به مردم بفروشند. واضح است که هیچ نوع تلاش آنها برای بزرگ کردن چهره کثیف رژیم و قوانین ارتجاعیش نخواهد توانست مردم را با جمهوری اسلامی و قوانین آن نزدیک کند. دفاع از حقوق تمام و کمال کودکان و نوجوانان امریست در خارج این دایره و امریست مربوط به همه آزادیخواهان و همه کسانی که اولین گام در راه نجات کودکان را نیز سرنگونی این رژیم میدانند. ■

از صفحه ۱

همایش ملی کار رژیم در تقابل با جنبش ...

روشن است که ژست کاربدستان حکومت و جنجال و های و هوی بر سر رعایت سه جانبه گری به این مفهوم که گویا یک جانب این نشست کارگران هستند، یک صحنه سازی و دروغ پردازی رسوا است که برای همه کارگران شناخته شده است. حتی اگر نهادهای آشکارا ضد کارگری ای امثال "کانون عالی شوراهای اسلامی" و "خانه کارگر" حکومتی نماینده کارگران بحساب آورده شوند، باز هم این به اصطلاح کارگران در برابر نمایندگان کارفرمایان و نمایندگان دولت که همیشه و بنا به تعریف در یک جبهه قرار دارند، در اقلیت قرار میگیرند.

این همایش با گرد آمدن مقاماتی از دولت و نمایندگان کارفرمایان و نهادهایی چون کانون عالی شوراهای اسلامی آشکارا تلاشی برای صف آرایی و چاره اندیشی رژیم در تقابل با اعتراضات کارگری و خواستها و مطالبات کارگران بود. این را نمایندگان شرکت کننده جایجا تکرار میکردند و نگرانی خود را بروز میدادند.

سرحدی زاده نماینده مجلس شورای اسلامی و وزیر سابق کار طی سخنانی در این نشست میگوید: "پیام این همایش به بزرگترهای جامعه این است که مملکت دارد از دست میرود." او در سخنانش تحت عنوان آشوبهای داخلی به اعتراضات رو به رشد در میان کارگران اشاره داشته و بر انفجاری بودن وضعیت جامعه تاکید میگذارد و میگوید تا توجه مسئولین امر را به خطیر بودن این شرایط جلب کند. در همین نشست جلودار زاده نماینده دیگر مجلس در قسمتی از سخنانش با اشاره مستقیم به اعتراضات کارگری تحت عنوان تجمع بی در پی کارگران بر عملکرد جناح مخالف حمله کرده و بر نقش این تجمع برای آرام کردن محیط های کارگری تاکید دارد. در همین رابطه، سخنان وزیر کار جمهوری اسلامی نیز با عنوان اینکه تجمع هر روزه کارگران در برابر وزارتخانه ها به حرمت کارگران صدمه میزند، به جو اعتراضی بالا در میان کارگران اشاره دارد.

مرور مباحث این سمینار بوضوح بر این امر تاکید میگذارد که کاربدستان حکومتی شدت از جو اعتراضی و حتی انفجاری در میان کارگران نگراند و تمام "کارشناسان" کارگری قدیم و جدید خویش را گرد آورده اند تا راه چاره ای بیندیشند. سوالی که رودروری چنین جمعی قرار دارد اینست که

چگونه خواست میلیونها کارگر در مورد افزایش دستمزدها، حق تشکل و اعتصاب، بیمه بیکاری را عقب براند و در عین حال کارگران را تحریک بر اعتراض و اعتصاب نکند. این در واقع وظیفه ای است که این "همایش" کذابی رودروری خویش دارد. مشکل دیگر اینها اینست که طیفی که گرد آورده اند به دوجناح متخاصم رژیم تعلق دارند و نگرانی از جو اعتراضی در میان کارگران حضرات را بیشتر بجان هم می اندازد.

قطعه نامه ۲۸ ماده ای این همایش از یکسو بیانگر تلاش این نشست در آرام کردن محیط های کارگری و از سوی دیگر منعکس کننده فشار خواستها و اعتراضات کارگری است. قطعه نامه ای از سر استیصال در تلاش برای جستجوی راهی برای خاموش کردن اعتراضات کارگری است. این قطعه نامه از جمله بر ادامه روند خصوصی سازی ها، حمایت از تولید داخلی و تقویت صنایع خصوصی ای که در حال ورشکستگی قرار دارند، مبتنی است. سیاستی که سالهاست موضوع بحث و اختلاف جدی دو جناح در درون رژیم بوده و رشد هر روزه اعتراضات کارگری امروز به این اختلافات شدت بیشتری داده است. بند ۴ قطعه نامه و اشاره کلی آن به توسعه تشکلهای کارگری و کارفرمایی و رفع موانع و مشکلات اداری و قانونی آن، عکس العملی در برابر فشار کارگران مبتنی بر خواست تشکل و در تقابل با سازمانیابی مستقل کارگران است. آوردن این بند در این قطعه نامه از آنرو حائز اهمیت است که امروز مساله خواست کارگران ارباره تشکل مستقل از دولت به یک موضوع حاد جنبش کارگری تبدیل شده و بخصوص در چند ماهه اخیر ما بیش از هر وقت شاهد طرح خواست ایجاد تشکلهای مستقل از دولت و کوتاه شدن دست شوراهای اسلامی کار از محیط های کار در حرکات و اعتراضات کارگری بوده ایم.

همچنین در حالی که طی چند ساله اخیر صدها هزار کارگر از کار بیکار شده اند، اعتراض علیه بیکارسازیه و خواست بیمه بیکاری یکی از عرصه های اصلی مبارزه کارگران در سه ساله اخیر بوده و وضعیتی انفجاری در میان کارگران بوجود آورده است، بند ۲۴ قطعه نامه مذکور تداوم روند بیکارسازیه را اساس گرفته و برای آرام کردن اعتراضات کارگری علیه بیکارسازیه میخواهد کارگران را با وعده ضرورت افزایش سقف زمانی استفاده از بیمه بیکاری و گسترش دامنه شمول آن دلخوش کند. این بند از قطعه نامه در واقع نسخه ای برای تداوم بیکارسازیه و قابل قبول کردن آن برای کارگران است. اشاره این بند به بیچوجه به کل جمعیت نزدیک به

ده میلیون کارگر بیکار در ایران نیست بلکه در چهارچوب بیمه بیکاری جمهوری اسلامی و از اشاره به کارگرانی است که از کار بیکار میشوند. این بند راه و چاره ای در تقابل با اعتراضات کارگران علیه اخراجها و خواست بیمه بیکاری است. از سوی دیگر در حالی که طبق سنت، نیروی زنان در جمهوری اسلامی هیچگاه در آمار مربوط به میزان نرخ بیکاری به حساب نیامده است در بند ۱۱ قطعه نامه تنها با آوردن عبارت "تقویت سازمانهای غیر دولتی فعال زنان در زمینه کارآفرینی" اشاره ای هم به مساله زنان دارد. وجود این بند در قطعه نامه بطور واقعی انعکاسی از فشار جنبش اعتراضی زنان در ایران، سازمانیابی هر روزه این جنبش و روی آوری هر چه بیشتر زنان به بازار کار است. و بالاخره اینکه در شرایطی که نزدیک به دو سوم درآمد کارگران صرف هزینه مسکن میشود، قیمت ها هر روزه و بطور تصاعدی افزایش مییابد، و کارگران از هر گونه تامین اجتماعی محروم هستند، قطعه نامه با حواله دادن کارگران به تعاونی های مسکن و مصرف و تامین اجتماعی جمهوری اسلامی سعی در مهار کردن جو اعتراضی موجود در میان کارگران دارد.

اما رابطه کارگران با جمهوری اسلامی و ارگانهای مختلف آن بیش از آن خصمانه و گسسته است که مبتنی بر عدم اعتماد است که چنین تلاشیایی بتواند تاثیری در جهت فرونشاندن فضای اعتراضی داشته باشد. سرحدی زاده این یک نکته را درست میگوید که "اوضاع دارد از دست میروند." کارگران آگاه نیز تنها همین پیام را از "همایش" کاربدستان جمهوری اسلامی میگیرند که اوضاع را هر چه زودتر از دست اینها بطور قطع خارج کنند.

اما در رودروری طبقه کارگر و حکومت اسلامی، کنار زدن تشکل های ضد کارگری شوراهای اسلامی و خانه کارگر از سر راه مبارزات کارگران اهمیت جدی دارد. مبارزات هر روزه کارگری نشان داده است که مجمع عمومی کارگری تنها ظرف بسیج و سازماندهی توده ای کارگری است. با قدرتیایی مجامع عمومی کارگری نه تنها میتوان رژیم را که امروز در ضعیفترین موقعیت خود قرار دارد به عقب راند و قدرت مقابلته ای برای آن باقی نگذاشت، نه تنها میتوان به مبارزات پراکنده اما گسترده کارگران قدرت و توان بیشتری بخشید، بلکه دامن زدن به جنبش مجمع عمومی یک حلقه کلیدی برای به میدان آمدن طبقه کارگر برای تغییر اوضاع به نفع خود و ایفای نقش آن برای رهایی جامعه از نکتت این رژیم و نظام منحوس سرمایه داری است. ■

یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری

را بخوانید

از سایت روزنه دیدن کنید

www.rowzane.com

پیام ۱۸ تیر سرنگونی جمهوری اسلامی است!

تحکیم وحدت در دانشگاهها و بی اعتباری کامل آن در میان دانشجویان نمونه بارزی از این تغییر موقعیت ها است.

امروز سه سال پس از ۱۸ تیر ۷۸، بحران و تشتت در صفوف حکومت عمیقتر شده است. از در دیوار حکومت نگرانی از سقوط و آشفستگی و فروپاشی دیده میشود. از پاسدار ژورنالیستها تا سران دو خرداد به نقد تندروی خود در مقابل خامنه ای نشستند و به موازات این، احزاب و گروههای مدافع حکومت نیز به ورشکستگی کامل افتاده اند، بی افق و بی روحیه شده اند، نیرو از دست میدهند و تماما به حاشیه میروند. از نهضت آزادی، جریان فسیلی که این روزها به خوش خدمتی جناح راست درآمده است تا جبهه ملی و اکثریت و توده و سایر محافل مرتجع ملی اسلامی در داخل و خارج در بحرانی لاعلاج دست پا میزنند. اینها سپر دفاعی حکومت اسلامی اند که در هم شکسته اند.

کارگران، مردم شریف و آزاده!

۱۸ تیر را باید با گسترش اعتراض علیه جمهوری اسلامی و تقویت صفوف سرنگونی طلبی تداوم بخشید. هنوز تعداد زیادی از دستگیرشدگان ۱۸ تیر در زندانهای حکومت اسلامی هستند. خواست آزادی آنها و کلیه زندانیان سیاسی، باید به یک خواست عمومی و سراسری مبارزه بخشهای مردم تبدیل شود.

کارگران، مردم آزادیخواه!

حزب کمونیست کارگری زبان اعتراض شما است. زبان اعتراض ۱۸ تیری ها است. تداوم روند سرنگونی، گسترش جنبش اعتراضی و تعمیق آن امروز از دروازه این حزب میگردد. حزب کمونیست کارگری سخنگوی خواستهای عادلانه، آزادیخواهانه و شریف و انسانی شما است. سخنگوی سازش ناپذیر کارگران، زنان، سکولارها و آزادیخواهان و سخنگوی بخشهای مختلف مردم محروم و بجان آمده است. به این حزب پیوندید و برای سرنگونی جمهوری اسلامی زیر پرچم آرمانها و سیاست های این حزب متحد شوید.

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ تیر خرداد ۱۳۸۰ - ۲۷ ژوئن ۲۰۰۱

اعلامیه حزب کمونیست کارگری ایران درباره سخنان جورج بوش

جورج بوش از فلسطینی ها میخواهد به شارون تسلیم شوند!

سخنرانی اخیر جورج بوش (۲۴ ژوئن)، فشرده سیاست قلدری و زورگویی دولت آمریکا در برخورد به مسائل حاد جهانی، فشرده نظم نوینی است که هیات حاکمه آمریکا از بعد از ۱۱ سپتامبر در نظر دارد بر مردم جهان تحمیل کند. سخنان بوش به حق با تنفر افکار عمومی در سطح جهان و با واکنش بین المللی حتی در صفوف دولت‌های متحدش مواجه گشته است. باینکه دولت آمریکا زیر فشار افکار عمومی و مخالفت های بین المللی ناچار شده به مسائل معینی نظیر تشکیل دولت فلسطین، عقب نشینی نیروهای اسرائیلی به مواضع پیش از ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰ و نهایتا خروج اسرائیل از مناطقی که از سال ۱۹۶۷ اشغال کرده است، گردن بگذارد، اما جورج بوش با تحقیر فلسطینی ها و پیش گذاشتن شروط غیرقابل قبول، عملا دست دولت اسرائیل را در ادامه سیاست اشغال، کشتار و سلب ابتدائی ترین حقوق مردم فلسطین باز میگردد. جورج بوش علنا از فلسطینی ها میخواهد به شارون تسلیم شوند.

رئیس جمهور آمریکا با طفره رفتن از ارائه هرگونه راهی برای خروج از بن بست بحران خاورمیانه و حل مساله فلسطین، رسماً بن بست موجود را مشروعیت میدهد، بر ابطال کل پروسه صلح اسلو از ۱۹۹۳ به اینسو مهر تایید میکوبد و سیاست فاشیستی شارون در تداوم کشتار و تجدید اشغالگری علیه مردم فلسطین را مجدداً مورد حمایت بی چون و چرا قرار میدهد. جورج بوش بر خلاف آنچه در کلام علیه تروریسم اسلامی و علیه حمایت جمهوری اسلامی و دولت عراق از جریان‌های تروریستی حماس و جهاد اسلامی و حزب الله بیان میکند، در عمل با حمایت بیسابقه اش از اسرائیل، به تروریسم اسلامی خدمت میکند و توجیه سیاسی و ایدئولوژیک در اختیار رژیمها و جریان‌های اسلامی میگذارد. این سیاست دست شارون را در کشتار و سرکوب مردم فلسطین باز تر میکند، به تروریسم اسلامی و کشتار مردم فلسطین میبدهد و بحران خاور میانه را از آنچه هست حادثه میکند. میانه را از آنچه هست حادثه میکند. سخنان جورج بوش بیانگر مواضع راست ترین جناح هیات حاکمه آمریکا و کپی سیاست شارون است. این قلدرمافی راه به جانی نمیبرد. بوش و شارون با تحقیر مردمی که در مبارزه عادلانه شان برای رهایی از سلطه اشغالگرانه اسرائیل از وسیعترین حمایت جهانی برخوردارند تنها خود را در جهان رسواتر و منزوی تر خواهند ساخت. اما مواضع جورج بوش بیشک به کشتار و خونریزی بیشتری میدان خواهد داد. مسئولیت همه این خونریزی ها و از جمله ناامنی بیشتر مردم اسرائیل بر عهده بوش و شارون خواهد بود. این قلدرمافی در قبال حادثترین و حساس ترین نقطه بحرانی جهان و در قبال سرنوشت مردم زجر دیده فلسطین باید با ایستادگی و مخالفت قاطعانه مردم آزادیخواه و صلحدوست در سراسر جهان پاسخ بگیرد. جهان طی چندین دهه شاهد بوده که دولت آمریکا یک پای ثابت معضل خاورمیانه بوده است. امروز با سخنان بوش این واقعیت بیشتر از همیشه در انظار مردم جهان برجسته میشود.

حزب کمونیست کارگری ایران بار دیگر مواضع جورج بوش و دولت آمریکا در حمایت از دولت اسرائیل و تحقیر مردم فلسطین را شدیداً محکوم میکند و بر ضرورت حل فوری مساله فلسطین، خاتمه فوری سرکوب و کشتار مردم فلسطین، خروج فوری اسرائیل از همه مناطق اشغالی و ایجاد یک دولت فلسطینی تاکید میگذارد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ تیر ۱۳۸۱ - ۲۷ ژوئن ۲۰۰۲

رادیو انترناسیونال را روی اینترنت بشنوید
www.radio-international.org

کودکان اول، چرا و چگونه؟

کنفرانسی در مورد آزادی و آینده کودکان!

زمان: ۷ و ۸ سپتامبر - مکان: سوئد، استکهلم

برای ثبت نام و اطلاعات بیشتر در مورد برنامه های کنفرانس میتوانید با آدرس و شماره تلفن های زیر تماس بگیرید:

childrenfirst@pathcom.com

اروپا:

Tel : + 46 (070)6785183

Fax : + 46 (070)6199054

آمریکای شمالی:

Tel : 1- 416 - 434 1545

Fax : 1-781 735 8359

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

نام ماموران عالیرتبه ساواما در دانمارک و اسناد و اطلاعات آنها باید فوراً افشا شود

امروز ۲۳ ژوئن مطبوعات دانمارک خبر حضور چهار جاسوس عالیرتبه جمهوری اسلامی در دانمارک را اعلام کردند. طبق این گزارشات چهار مامور بلندپایه وزارت اطلاعات در ماه مارس از ترکیه به دانمارک رفته و از این کشور تقاضای پناهندگی کرده اند. بنا بر گزارشات مطبوعات دانمارک این ماموران اسناد زیادی درباره فعالیت‌های جاسوسی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی بر علیه اپوزیسیون و برنامه عمل و نقشه های آنها برای ترور افراد شناخته شده اپوزیسیون در خارج کشور دارند. دولت دانمارک این اطلاعات را از ماه مارس تاکنون از مردم دانمارک و از اپوزیسیون جمهوری اسلامی که قربانی سیاست‌های تروریستی جمهوری اسلامی بوده اند مخفی نگه داشته است.

۳- خواهان افشای نام و رتبه چهار مامور اطلاعاتی جمهوری اسلامی و افشای همه اسناد و مدارک آنها است.

۴- تاکید میکند که سفارتخانه های جمهوری اسلامی و نهادهای سیاسی و فرهنگی این رژیم، مراکز سازماندهی و هماهنگی فعالیت‌های جاسوسی و تروریستی حکومت اسلامی علیه اپوزیسیون بوده و باید تعطیل شوند.

۵- بار دیگر همکاری دول اروپایی با جمهوری اسلامی از جمله سیاست نزدیکی اتحادیه اروپا به جمهوری اسلامی و ایجاد محدودیت علیه اپوزیسیون این رژیم را محکوم میکند و همه مردم آزادیخواه و سازمان‌های کارگری و انساندوست را به اعتراض علیه این سیاست های ارتجاعی و ضد مردمی فرامیخواند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران ۲۳ ژوئن ۲۰۰۲

حمید تقوائی دبیر کمیته مرکزی 001 647 885 2485
کوروش مدرسی رئیس دفتر سیاسی 0044 774 863 0833
اصغر کریمی 0044-771 4097928
آذر مدرسی دبیر تشکیلات خارج 00447815902237
رحمان حسین زاده-دبیر کمیته کردستان حزب: 0046-739 855 837

اسد گلچینی - دبیر تشکیلات کل کشور
0044 7940 416 768

شهلا دانشفر: دفتر مرکزی حزب 00447950517465
بهرام مدرسی - دبیر کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست:
0049174 944 0201



حکومت بازجوها

یادداشت‌هایی بر وقایع هفته

مصطفی صابر mosaber@yahoo.com

"پروتستانیزم" بر نمی تابد، حتی اگر "مزاح" باشد. این یک حرکت سیاسی آخر قرن بیستم اساساً برای سرکوب چپ و کارگر و عدالتخواهی مردم بود. دخالت اسلامی در زندگی مردم، حجاب، حمله به مظاهر تمدن، سنگسار، اعدام و ترور اجزاء هویتی اسلام سیاسی اند. حاکمیت اسلام و روحانیت و قتل به نام الله و جوه غیر قابل تجدید نظر و اصلاح ناپذیر این جریان است.

حکومت بازجوها

حرمت امثال آقای آغاچری و دوستان برای بقاء حکومت اسلام ضروری و البته محفوظ است. دعوی بین قوه قضاییه و وزارت اطلاعات بر سر قتل های وزرات اطلاعات (معروف به قتل های زنجیره ای) در هفته گذشته، انعکاس همین واقعیت بود. دعوا طبعاً بر سر این نبود که قتل ها را چه کسی انجام داد، دعوا بر سر این بود که بازجوی چه کسی بازجوی آن دیگری را شکنجه کرده و فیلم های شکنجه را بیرون داده و "آبروی نظام" را برده است. بهمین وقاحت، بهمین مسخرگی، از خلال دعوا این دستگیر مردم شد که نه فقط قتل ها توسط عالیترین مقامات امنیتی رژیم (سعید امامی) صورت گرفته بود، بلکه "بازجو" های پرونده نیز عالیترین مقامات وزارت اطلاعات "اصلاح شده" خاتمی بودند. معلوم شد که هدف بازجوهای هر دو جناح سرهم آوردن پرونده بوده است. که رتق و فتق کار این بازجوها مهمترین دستور جلسات سران و مقامات بالای جمهوری اسلامی بوده است. این البته تنها مورد در هفته گذشته از اهمیت نقش بازجوها نبود. در توجیه پرونده ملی مذهبی ها (همان "بدبخت" هایی که عمری را به اسلام و حکومتش خدمت کرده اند) گفته شد که بازجوها تشخیص داده اند که اینها یکسال در زندان بمانند. در کمتر جایی چون جمهوری اسلامی بازجوها چنین مکان برجسته ای نه فقط در چهارچوب زندان که در قضاوت، در حکومت، در تئوری پردازای سیاسی، در "دگر اندیشی"، روزنامه نگاری و غیره یافته اند. به مشاوران خامنه ای، به خاتمی، به وکلای مجلس، به روزنامه نگاران چون شریعتمداری و ربیعی، به "متفکرانی" چون حجازیان و سروش نگاه کنید. ■

در جناح راست و چه در جناح دوم خرداد تشدید کند.

مزاح پروتستانیزم اسلامی

هفته گذشته شاهد نمایش کم نظیری بود که داغی بر دل همه شیفتگان "اسلام مدرن"، "پروتستانیزم اسلامی" و همه مدافعان اصلاح رژیم اسلامی گذارد. آغاچری به بهانه سالگرد مرگ شریعتی طی سخنرانی در همدان به روحانیت و اسلامیت های سنتی حمله برد و خواهان "تعمیل و اصلاح دین" شد. تا وقتی جناح راستی ها، از کیهان تا رسالت تا امام جمعه ها به سخنان او حمله میکردند، او هنوز آماده بود تا از سخنان خود دفاع کند. اما وقتی کروی به او حمله کرد، او بلافاصله از "مزاح" خویش "استغفار" کرد و گفت که البته همیشه مخلص "روحانیت اصلاح طلب" نظیر خمینی و بهشتی و مطهری بوده و هست. کروی با آن صراحت خاص خویش به یاد او و دوستانش آورد که آنها که بوده و هستند. گفت که چگونه برای قبول کاندیداتوری خاتمی دربر پیش آیت اله های مختلف دنبال فتوا و دستخط دویده اند. به یاد او آورد که چطور در آن "دهه اول انقلاب" همین ها که امروز "دگراندیش" شده و از "ملی مذهبی ها" دفاع میکنند چه بر سر "امیر انتظام بدبخت" و "بازرگان" و "استادان دانشگاهها" آورده اند. در واقع به یاد او آورد که خود این حضرات "پروتستانیزم" مشتاق چماق بدست، بازجو، مامور امنیتی و پاسدار تحت امر روحانیت بوده و حالا هم جیره خوار اسلام سیاسی اند. "نصایح پدانه" کروی، بقول خودش، از سر "احساس خطر" بود. اسلام سیاسی مسیحیت قرون وسطی نیست و

رابطه با آمریکا و "اکبر شاه"

در منبر نماز جمعه و فقط چند هفته بعد از حرفهای خامنه ای در مورد منع رابطه با آمریکا، رفسنجانی باز بشیوه خود برای آمریکا غمزه شتری آمد و از "همکاری مثل مورد افغانستان" دم زد! آن ریسمان الهی "مرگ بر شیطان بزرگ" که این روزها جمهوری اسلامی ترسان و لرزان بر آن بند بازی میکند، معلوم نیست که سرش دست کیست. بطور قطع خاتمی و دولتتش (همان رفرمیست هایی که به زعم غرب باید تقویت شوند) هیچکاره و حداکثر تماشاچی اند. هرچه هست بین خامنه ای و رفسنجانی است. در این میان رفسنجانی ظاهراً در پی ایفای نقش فعالتر و علنی تر در صحنه سیاست است. یا شکست دوم خرداد و نیز سقط شدن طرح های متعدد "وفاق ملی"، ظاهراً رفسنجانی اقبال خود را برای پیشبرد "توسعه آمرانه" و "راه حل چینی" در طلوع می بیند. برقراری رابطه با آمریکا و عادی کردن رابطه با غرب بدون اینکه رژیم مجبور باشد خیلی به ترکیب اسلامی و ایدئولوژیک خود دست بزند و بدون اینکه شکافی برای تعرض مردم باز کند، در محور چنین تلاشی قرار دارد. رفسنجانی میتواند روی حمایت برخی از دوم خردادی های مایوس و کسانای از جناح راست حساب کند. اما تا آنجا که به اعتراض و نفرت مردم، اوضاع اقتصادی و موقعیت بین المللی اسلام سیاسی برمیگردد اوضاع جمهوری اسلامی به مراتب وخیم تر از "دوره سازندگی" و تجربه شکست خورده "اکبر شاه" است. مضافاً اینکه تلاشهای رفسنجانی میتواند به نوبه خود اختلاف و تشتت را چه

آدرس و شماره حساب انترناسیونال هفتگی

Bank Account:
Z.I. Konto: 520 5164 008
BLZ: 10090000
Beliner Volksbank
Germany

Address:
BM Box 8927
London
WC1N 3XX
England

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.wpiran.org
www.wpibriefing.com
www.rowzane.com
www.hambastegi.org
www.childrenfirstinternational.org

www.jawanan.org
www.iwsolidarity.com
www.medusa2000.com
www.marxsociety.com
www.kvwpiran.org